



**ای رسول خدا، من صاحب زمینی در خیر شدم؛ تاکنون صاحب  
 مالی نشدم که از آن نزد من ارزشمندتر و گرانبهاتر باشد، در  
 مورد آن چه به من دستور می‌دهی؟ رسول الله صلی الله علیه  
 وسلم فرمود: «اگر موافق باشی اصل آن را نگه دار و منفعت  
 حاصل از آن را صدقه بده».**

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهم روایت است که می‌گوید: عمر زمینی را در خیر مالک شد و نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد تا با ایشان در مورد نحوه‌ی استفاده از آن مشورت کند؛ از این رو گفت: ای رسول خدا، من صاحب زمینی در خیر شدم؛ تاکنون صاحب مالی نشدم که از آن نزد من ارزشمندتر و گرانبهاتر باشد، در مورد آن چه به من دستور می‌دهی؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنْ شَيْئَتْ حَبَّسْتَ أَصْلَهَا، وَتَصَدَّقْتَ بِهَا»: «اگر موافق باشی اصل آن را نگه دار و منفعت حاصل از آن را صدقه بده». بنابراین عمر رضی الله عنہ منفعت آن را صدقه نمود بدون اینکه اصل آن فروخته شود و هبہ گردد و جزو اموال میراث محسوب شود. و به این ترتیب منفعت حاصل از آن را بین فقرا و نزدیکان تقسیم کرده و در راه الله و برای مسافران و در راه ماندگان و مهمانان در نظر گرفت. و کسی را که عهده دار رسیدگی به آن بود، آزاد گذاشت تا به نیکی از آن بخورد یا دوستی از آن بخورد بدون اینکه مال اندوزی کند و بیش از نیاز خود برگیرد؛ و در لفظی آمده است: بدون اینکه مال و ثروتی از آن برای خود ذخیره نموده و رقم بزند.

[صحیح است] [متفق علیه]

عمر بن خطاب رضی الله عنہ مالک زمینی در خیر می‌شود که گرانبهاترین اموالش نزد او می‌باشد؛ بنابراین برای اینکه درون خود را پاک نماید، با اینکه در باقیات الصالحات از سبقت گیرندگان است، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌رود تا به نیکی مذکور در این آیه دست یابد که الله متعال می‌فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» [آل عمران: 92] «[ای مؤمنان] هرگز به [منزلت و ثواب] نیکوکاری دست نمی‌یابید مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید». و به این ترتیب با رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد نحوه‌ی صدقه نمودن آن را به جلب رضایت الله متعال مشورت می‌کند؛ و رسول الله صلی الله علیه وسلم بهترین روش صدقه نمودن آن را به وی مشورت می‌دهد؛ اینکه اصل آن را نگه داشته و وقف کند؛ و عمر رضی الله عنہ چنین عمل می‌کند و زمین مذکور را وقف می‌کند که نه فروخته می‌شود و نه هدیه می‌گردد و نه جزو میراث قرار می‌گیرد؛ و هیچکس نمی‌تواند تصرفی در آن داشته باشد و انتقال مالکیت نموده یا سبب آن شود؛ و منفعت حاصل از آن را به فقرا و مساکین و نزدیکان و خویشاوندان اختصاص می‌دهد و اینکه برگان از برگان آزاد شوند یا با درآمد حاصله از آن، دیه های کسانی پرداخت شود که مستوجب پرداخت دیه شدن؛ و مجاهدانی تامین شوند که در راه الله و برای اعلای کلمه‌ی الله و نصرت و پیاری دین به جهاد می‌روند؛ و مسافری غذا داده شود که در شهری غیر از شهر خود، بی‌چیز و درمانده شده و چیزی برای او جهت تامین مایحتاجش باقی نمانده است. و همچنین مهمانان از آن استفاده کنند چراکه رعایت احترام مهمان بخشی از مصدق ایمان به الله می‌باشد. و کسی یا کسانی که نیاز است عهده دار مسئولیت و رسیدگی به آن شوند، گناه و حرجی در استفاده از زمین مذکور متوجه آنها نباشد و به قدر نیاز از آن استفاده نمایند؛ و دوستی از آن بخورد بدون اینکه مالی افزون بر نیازش از آن برگیرد؛ چون درآمد حاصله از زمین مذکور وقف انفاق در راه های خیر و نیک شده است نه اینکه مال و اموالی ذخیره و انباسته شود. نکته: وقف این است که مسلمانی مالی را که برای او سودی دارد، در یکی از راه های خیر صدقه کند؛ و به این ترتیب خود به عنوان

مال وقفی از آن استفاده نموده و از طرفی اصل مال نیز باقی بماند. به عنوان مثال مزرعه‌ای را برای فقرا وقف نماید؛ بنابراین میوه‌ها و محصولات این مزرعه به فقرا داده می‌شود و همچنان مزرعه باقی بوده و به همین ترتیب منفعت آن به فقرا می‌رسد.

<https://sunnah.global/hadeeth/fa/show/6031>



النجاة الخيرية  
ALNAJAT CHARITY

